



# Introducing and explaining the importance of the manuscript of Umm al-Kitab written by Ahmad Rumi in the early 14th century

 Teymoor Malmir<sup>1</sup>

 Hooman Namazi<sup>2</sup>

Submitted: 13-02-2023 Revised: 19-02-2023 Accepted: 27-02-2023 Published: 23-09-2023 pp.150-177

## Abstract

Umm al-kitab a mystical-didactic oriented book by Ahmad Rumi and was written in 1326A.D. (727A.H.). There was only a unique manuscript of this book keeping in B.N.F with the document number R 25480. Ahmad Rumi was a Hanafi Muslim and following Mowlana's mystical ideas. He used to be a developer of Mowlavie's sect in India and one of the first Annotators of Mowlana's books in 14th Century. In this book Rumi has detailed some Qur'an's verses, prophet's Hadith, Sufism elder's speech and Sunni Imams. He also has written anecdotes in harmonious poet form following Masnavi's form to describe the gist of foregoing issues. the genre of named book is called Arbaeen-Nevisi (which means to write forty topics and explain them) to Annotate Masnavi and Sonnets of Mowlana. the remarkable feature of Umm al-kitab is its simple prose and following Mowlana and his son's -Soltan valad- style. using Arabic syntax and inflexion in Umm al-kitab is not to make its text complicated, but rather is impressed by other mystical books in the same way.

**Keywords:** Umm al-kitab, Ahmad Rumi, Arbaeen-Nevisi, Mowlavi's followers, 14th century prose and poet.

## CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access. paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4/0/>)



<sup>1</sup>. Professor of the Department of Persian Language and Literature. Faculty of Language and Literature. The University of Kordestan. Sanandaj Kurdistan. Iran.

<sup>2</sup>. Master of Persian language and literature. Department of Persian literature. Faculty of Humanities. Semnan University. Semnan. Iran.




## References


- The holy Quran.
- Ahmadi Ashtiani, Farhad and Mohammad hadi Amirnaji, comparative analysis of Arbaeen Nevisi`s transformation history in Fareeqein, Hadith and Quran sciences journal of Al-Zahra`s university, 15<sup>th</sup> year, no. 2, P.P. 1-38, summer, 2019.
- Ashoori Talooki, NadAli, The Arbaeen Nevisi tradition and a valuable manuscript about Chehel Hadith, Islamic studies of Ferdowsi university`s journal, 20<sup>th</sup> year, no. 65 -66, P.P 165-184, Fall and summer 2004.
- Badayooni, Abd-Alqader, Montakhab -Altavarikh, corrected by molave Ahmad Ali Sahib and Towfiq Sobhani`s annotation, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Cultural books and elites` association publication, 2002.
- Foroozanfar, Badi`Alzaman, Sharh -e- Masnavi -e- Sharif, 1<sup>st</sup> Vol., 7<sup>th</sup> edition, Tehran, Zavvar publication, 1989.
- Hamer, Alphons C. M., An unknown Mawlavi poet: Ahmad Rumi, translated by Mohammad Javad Shams, Maa`rif journal, 3<sup>rd</sup> no., P.P 124- 148, Nov- Mar 1996.
- Ibn -e- Babooye, Aboo Ja`far Mohammad ibn -e- Ali, Alkhisal, Qom, Islamic publication institute for lecturers` society, 1948.
- Ibn -e- Batoote, Mohammad ibn -e- Abdoollah, Ibn -e- Batoote`s travelogue, translated by MohammdAli Movahhed, 2<sup>nd</sup> vol., first edition, Tehran, Book translation and publication institute, 1970.
- Nasrabadi Esfahani, Mohammad Taher, Tazkira Nasrabadi: Tazkirato Alshoara, corrected by Vahid Datgerdi, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Amaghan publication, 1938.
- Rumi, Ahmad, Daqaeq Alhaqaeq, corrected by Mohammadreza Jalali Naeeni and Mohammad Shirvani, Tehran, Art and Culture council publication, 1976.
- Rumi, Ahmad, Daqaeq Altariq, corrected by Mohsen kiani, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Rowzane publication, 2000.
- Rumi, Ahmad, Umm Al-kitab, keeping in B.N.F with registered no.: R 25480, 1572.
- Sirhandi, Yahya ibn -e- Ahmad ibn -e- Abdollah, Tarikh -e- Mobarakshahi, corrected by Mohammad Hedayat Hossein, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Asatir publication, 2004.
- Soltan Valad, Baha`ALdin Mohammad, Rabab Nameh, corrected by Dr. Ali Soltani GerdFamarzi, Tehran, McGill`s Islamic studies publication in association with Tehran university, 1981.
- Soltan Valad, Baha`Aldin Mohammad, Valad nameh, corrected by Jalal Aldin Homae, qom, Homa publication, 1998.



## معرفی و بیان اهمیت نسخه خطی ام‌الکتاب نوشته احمد رومی

در اوایل قرن هشتم

 هومن نمازی<sup>۴</sup>

 تیمور مالمیر<sup>۳</sup>

از صفحه ۱۵۰ تا صفحه ۱۷۷ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

### چکیده

ام‌الکتاب با محتوایی تعلیمی - عرفانی نوشته احمد رومی در ذی‌الحجه سال ۷۲۷ است. تنها نسخه موجود از ام‌الکتاب در کتابخانه ملی فرانسه با شماره R25480 نگهداری می‌شود. احمد رومی به لحاظ فقهی دارای مذهب حنفی و به لحاظ مشرب عرفانی پیرو مولوی است. وی از گسترش دهندگان سلسله مولویه در هند و از اولین مفسران آثار مولانا در ربع اول قرن هشتم است. در این کتاب آیاتی از قرآن کریم، احادیث پیامبر اسلام (ص)، اقوال مشایخ صوفیه و ائمه فِرَق تسنن در چهار فصل نقل شده است. مصنف برای تأیید و تبیین موضوع فصل‌های کتاب، حکایاتی منظوم با پیروی از مثنوی در بحر رمل مسدس سروده است. نوع و قالب نگارش ام‌الکتاب از زمره اربعین‌نویسی یا چهار حدیث‌نگاری است اما از این شیوه نگارش برای تبیین و تعلیم مسائل عرفانی بخصوص در مورد آثار مولوی استفاده کرده است. ویژگی عمده ام‌الکتاب گرایش بسیار آن به دو اثر مشهور مولوی یعنی مثنوی معنوی و دیوان شمس است. علاوه بر آثار مولوی، به ولدنامه و رباب‌نامه سلطان ولد نیز توجه دارد. نثر ام‌الکتاب ساده و مرسل است. نثر و نظم ساده و استفاده فراوان نگارنده از تمثیل و حکایت‌های منظوم، دلالت بر جنبه تعلیمی اثر می‌کند. وجود عناصر نحوی و صرفی زبان عربی در ام‌الکتاب، همچنان متأثر از متون و آموزه‌های عرفانی است تا اینکه تلاشی تعمدی برای دشوارساختن متن باشد.

**واژگان کلیدی:** ام‌الکتاب، احمد رومی، اربعین‌نویسی، پیروان مولوی، نثر و نظم قرن هشتم

**Cite this article:** malmir, teymoor; Namazi, Hooman. (2023) Introducing and explaining the importance of the manuscript of Umm al-Kitab written by Ahmad Rumi in the early 14th century. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-3, Issue-2, 150-177.

<https://doi.org/10.22034/crtc.2023.167728>

۳. (نویسنده مسؤول) استاد گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده زبان و ادبیات. دانشگاه کردستان. سنندج. کردستان. ایران. -

Email: t.malmir@uok.ac.ir

۴. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی. گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه سمنان. سمنان. ایران.



## ۱- مقدمه

بخش اعظم دستاوردهای تمدنی و فرهنگ هر قومی در آثار گذشتگان آن قرار دارد. بسیاری از این آثار به صورت مکتوب برجای مانده است. بر آثاری که دور از دسترس هستند یا از بین رفته‌اند چاره‌ای جز حسرت و اظهار تأسف نداریم اما معرفی و نشر میراث برجای مانده ضروری است. یکی از این آثار ام‌الکتاب است. تصحیح متن ام‌الکتاب مانند تصحیح نسخه‌های سایر متون، علاوه بر حفظ و زنده ساختن دستاوردهای فرهنگی گذشته، برای استفاده محققان در حوزه‌های پژوهشی دیگر نیز مفید خواهد بود. مخصوصاً وقتی از تلاش مصنف این اثر در موقع حضورش در هندوستان برای شرح و توضیح، تعلیم و گسترش آراء سلسله مولویه آگاه باشیم.

ام‌الکتاب در ماه ذی‌الحجه سال ۷۲۷ هجری قمری تألیف شده است. مصنف در این کتاب مستقیماً به زمان اتمام نگارش آن اشاره کرده است:

سبع مائه سبع عشرین شد تمام این رساله ماه ذی‌الحجه ای کرام

(رومی، ۹۹۰: ۱۶۴ / الف)

باتوجه به محتوای ام‌الکتاب می‌توان آن را شرحی گزیده از آثار مولوی محسوب کرد. به سبب قرابت اندیشه و فاصله نسبتاً کمی که مصنف کتاب با زمان حیات مولوی داشته است، می‌توان برای فهم و خوانش بهتر آثار مولوی از این کتاب بهره برد. به رغم اهمیت این اثر، مولوی پژوهان از آن یا بی‌اطلاع بوده‌اند یا بدان دسترسی نداشته‌اند، بدین سبب نسخه خطی ام‌الکتاب، مصنف و سبک و محتوای آن را در این مقاله معرفی می‌کنیم. بخشی از نسخه با عنوان «تذکره الفصول» شامل فهرست فصل‌های کتاب را با روش قیاسی تصحیح کرده‌ایم، متن مصحح این بخش را در مقاله برای معرفی مطالب و نمونه نثر نویسنده نقل می‌کنیم.



## ۲- نسخه خطی ام‌الکتاب

تنها نسخه موجود از ام‌الکتاب در کتابخانه ملی فرانسه (Bibliothèque nationale de France) با عنوان UMM al-KITB ou MARIF به شماره R 25480 نگهداری می‌شود. این نسخه دارای ۱۶۶ برگ است و هر صفحه دارای ۱۷ سطر در اندازه ۸×۱۴/۵ و اندازه قطع هر صفحه برابر با ۱۹/۲×۱۲/۷ است. رنگ کاغذ نسخه، سفید متمایل به نخودی است. در گوشه بالایی سمت چپ هر برگ، شماره برگ‌ها توسط متصدیان کتابخانه به زبان لاتین درج شده است و صفحات دارای رکابه هستند. این نسخه در شهر ماردین، واقع در ترکیه امروزی، در ظهر روز شنبه از ماه محرم سال ۹۹۰ هجری قمری توسط درویش پیری النحیف الرومی با خط نستعلیق متوسط (نه خیلی خوب و نه خیلی ضعیف) کتابت شده است. در برگ دوم یک وقف‌نامه و دو بیت از گلستان سعدی قابل مشاهده است. وقف‌نامه از این قرار است: مَلَكَةٌ بِالشَّرَاءِ الشَّرْعِيِّ اَحْمَدُ ابْنُ الْحَاجِّ مُحَمَّدِ الرَّومِيِّ؛ وَقَفَهُ الْحَقِيرُ الْاَدَلُّ حَاجِي مُصْطَفَى ابْنِ اَحْمَدٍ وَ مُحَمَّدِ ابْنِ اَحْمَدٍ عَفَرَ اللّٰهُ ذُنُوبَهُ وَ سَتَرَ عَيْبُوهُ.

و دو بیت نوشته شده از گلستان سعدی:

تو که قرآن بدین نمط خوانی      ببری رونق از مسلمانی

و ایضاً

قاضی چو به رشوت بخورد پنج خیار له؛      ثابت کند از بهر تو ده خریزه زار

همچنین دو بیت از شاعری ناشناخته در این برگ نوشته شده است:

قاضی تو به داده خدا راضی باش      نی در غم مستقبل و نی ماضی باش

دنیا داری و آخرت می‌طلبی      این هر دو کی‌ات دهند تو قاضی باش

و یک بیت به زبان ترکی:

قلیچ باغی گیبی شاهم میانن بند اولمشدر      دل عشاقی قتل ایله سنگ قربان اولمشدر

در پایان نسخه نیز مهر واقف با نام حاجی مصطفی ابن احمد و محمد ابن احمد با دشواری قابل خواندن است.



غیر از این، از دو تاریخ وقف ۱۱۱۵ و ۱۱۴۷ در پایان نسخه یادشده است. صورت تصحیح‌شده و تصویرهای مربوط به این دو وقف‌نامه مختصر را در مقاله نقل کرده ایم:

«فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّهُ إِثْمٌ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، وَأَجْرُ الْوَاقِفِ إِلَى الرَّبِّ الرَّحِيمِ هَرَّ كَوِ بُو وَقْفِي بوزوب افران ايدر ايسه الله عظيم الشانك و جميع اشيانك لعنت أول كمسنه تكي اوزونه اوله وقفينه سي ديخنه واردير الحانظر[؟] اولنه سنه ۱۱۱۵

کعبه بنیاد خلیل است دل نظرگاه جلیل است	در مظهر عاشقان حرام است سماع
لاله داغ حقیقت دور کلاه مولوی	سنبل باغ فنا در دود آه مولوی
توتیای چشم سر در خاکراه مولوی	بولسه ارباب حقائق کحل چشم جان ايدر
بحر ذات صرفه در آنجق شناه مولوی	قویمامش منزل مراتب گر فنا و گر بقا
اولمش آنجق دیرگه احمد پناه مولوی	سیریدر سر علی اسراری اسرار رسول
گورنه لطف اتمیش انا ادنی تگاه مولوی	مولویلیک ایت خلوصه کم گورنلر دیبه‌لر

حرره الحاج حسن ابن حاج احمد فی سنه ۱۱۴۷».

در صفحه پایانی نسخه که در حکم پشت جلد آن محسوب می‌شود بیت شعری به این صورت نوشته شده است:  
زلف کج ابرو کج مژگان کج دستار کج  
خوش نمی‌باشد به روی یار بی این چار کج

این شعر تغییر یافته بیتی از شاعری در قرن یازدهم است که نصرآبادی در تذکره او را با نام میرزا زین العابدین ولد آصف خان قزوینی معرفی می‌کند:

راست‌ناید کار ما با آن سراپا کار کج  
زلف کج مژگان کج و ابرو کج و دستار کج

(نصرآبادی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۶۰)

متن اصلی کتاب از ابتدای برگ سوم آغاز می‌شود که شامل معرفی مؤلف و نام کتاب است، سپس تحمیدیه‌ای



در چهل و سه بیت آورده است؛ برگ (سوم / الف) چنین آغاز شده است: «هذا کتابُ المُسمّی بام‌الکتاب لِأحمد رومی قدّس الله سرّه»:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

در توحید باری سبحانه و تعالی

ابتدا کردم به نام آن که او گل دهد از تیره گل با رنگ و بو (الخ)

پس از ابیات تحمیدیه، عنوان «فی مقدمه الکتاب» را می‌بینیم که ذیل آن مؤلف علت نوشتن این اثر را اظهار می‌دارد و پس از آن چهل فصل را به تفکیک عنوان هر فصل تبویب کرده است. موضوع هر فصل آیه‌ای از قرآن، مسئله‌ای کلامی، حدیث و امثال این موارد است که مؤلف ابتدا آنها را به عربی طرح می‌کند سپس ترجمه فارسی عبارتهای عربی را می‌آورد و تفسیر می‌کند. احمد رومی در ضمن تفسیر عبارت مخصوص هر فصل با آوردن مصرع «همچنین فرمود مولانای ما» غزلی از دیوان کبیر مولانا یا چند بیت از مثنوی معنوی می‌آورد که با موضوع مرتبط است و آن غزل یا ابیات مثنوی را توضیح و بسط می‌دهد. همچنین گاهی با مصرع «همچنین فرمود در قرآن خدا» آیه‌ای به عنوان شاهد و دلیل بر مطلبی می‌آورد که آن را بسط داده است. موقع به فرجام‌رساندن هر فصل نیز با آوردن بیت

اندر این معنی نظیر آمد به یاد چون بگویم خوش شنو ای خوش‌نهاد

یک حکایت در قالب مثنوی می‌آورد و آن فصل معمولاً با کمتر از هفت بیت منقول از مولانا و سه بیت که در انتهای هر فصل تکرار می‌شود به پایان می‌رسد. آن سه بیت از این قرار هستند:

مشتغل	بودم	به	قال	ای	دوستان	حال	غالب	گشت	بر	قال	زبان	
مست	شد	جانم	ز	جام	ذوالجلال	هر	چه	حق	نه	جملگی	شد	پایمال
غیر	حق	می‌گویم	اندر	زیر	پا	الصلا	ای	پاک‌بازان	الصلا			

آنچه درباره موارد ظاهری نسخه‌گفتنی است اینکه کاتب به‌غیر از شنگرف - آن هم در نگاشتن عنوان‌های



مهم- از دیگر رنگ‌ها استفاده نکرده است، همچنین در متن یا فهرست از هیچ جدولی استفاده نکرده است. در برگ پایانی نسخه، کاتب نام خود و سال کتابت اثر را نگاشته است و در ادامه آن وقف‌نامه‌هایی به زبان فارسی و ترکی دیده می‌شود.

### ۳- مؤلف ام‌الکتاب

تأثیرپذیرفتگان از اندیشه و هنر شعری مولانا سعی در شرح و بسط آرای او داشتند؛ یکی از آنان مؤلف ام‌الکتاب است. فروزانفر از شخصی به نام احمد رومی یاد کرده است که به شرح آراء مولانا پرداخته است. او را هم‌عصر سلطان ولد و فرزندش جلال‌الدین فریدون مشهور به عارف چلبی می‌داند. مطابق بررسی‌های فروزانفر، احمد رومی مؤلف کتابی است که به شرح مشکلات مثنوی توجه کرده است اما نام کتابش را نیافته است (فروزانفر، ۱۳۶۷: ۱۰). حدس هیمر آن است که مقصود فروزانفر کتاب دقایق الحقایق است (هیمر، ۱۳۷۵: ۱۲۵). هیمر با استفاده از نسخه خطی کتاب دقایق الطریق در دار الکتب قاهره، بیت زیر را از فصل چهارم کتاب نقل کرده است:

احمد رومی است نام و نسبتم  
سال پنجاه است اندر غربتم  
(همان: ۱۳۰)

این بیت در متن چاپی کتاب دقایق الطریق نیامده است. در این بیت روشن است که مصنف خود را احمد رومی می‌خواند که پنجاه سال سن دارد و در غربت به‌سر می‌برد. از احمد رومی سه اثر باقی مانده است: دقایق الحقایق، دقایق الطریق و ام‌الکتاب.

در تذکره‌های فارسی بعد از قرن هشتم هیچ اثری از نام احمد رومی نیست، حتی شرح‌حال‌نگاران مولانا چون احمد افلاکی و فریدون سپهسالار نیز نامی از او نبرده‌اند و بهترین منبع از احوال و روزگارش آثار سه‌گانه خود اوست. با توجه به انتساب نامش به «رومی» احتمال دارد اهل آسیای صغیر بوده باشد از شهری به نام «علانه» نیز نام می‌برد که ظاهراً در حال سفر از آنجا عبور کرده است (رومی، ۱۳۷۸: ۴۰). هیمر به نقل از فهرست الفبایی نسخ خطی



وفات احمد رومی را سال ۷۵۱ دانسته‌است (هیمر، ۱۳۷۵: ۱۳۵)، اما دلیل و شاهی برای قبول این نظر وجود ندارد. آنچه واضح است اینکه سال وفات احمد رومی به صورت قطعی روشن نیست. همچنین از اینکه می‌گوید «اندر غربتم» (همان: ۱۳۰) معلوم می‌شود در شهری به جز محل زادگاهش به سر می‌برده‌است. ظاهراً جهت انتشار اندیشه و افکار فرقه مولویه به شهر «عوض» در هند رفته‌است (رومی: ۱۳۷۸: ۱۸۴) ظاهراً عوض شهری در هند بوده‌است؛ هر چند دیگر نامی از این شهر در جغرافیای فعلی هندوستان وجود ندارد. در سفرنامه ابن بطوطه در دو مورد نام شهر «عوض» را می‌توان دید، یکی هنگامی که در شهرهای بخش غربی رود گنگ قحطی می‌آید اما در شهرهای شرق این رودخانه قحطی راه نمی‌یابد، ابن بطوطه اسم شهر «عوض» را در کنار ظفرآباد و لکنوا در بخش شرقی رودخانه گنگ مطرح می‌کند (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۱۲۶). در جایی دیگر از یک قیام یا شورش در زمان سلطان محمد تغلق یاد می‌کند که شورشیان به شهر «عوض» پناه می‌برند (همان: ۱۳۰). دربارهٔ احوالات احمد رومی در تذکره‌های متعلق به شبه‌قاره نظیر تذکره علمای هند تألیف محمد حسین بدایونی، اخبار الاخیار اثر محدث دهلوی، مرآة الانسار اثر عبدالرحمن چشتی و گلزار الابرار اثر محمد غوثی بن حسین موسی شطاری هیچ اثری نیست. اما از اشارات احمد رومی چنین به نظر می‌رسد که در آن منطقه شهری داشته‌است چندان که در شهر «عوض» مورد آزار حاسدان واقع شده‌است (رومی، ۱۳۷۸: ۱۸۵).

احمد رومی، هر سه کتاب خود یعنی دقایق الحقایق، دقایق الطریق و ام‌الکتاب را در آنجا نوشته‌است (رومی، ۱۳۵۴: ۵۷۵، رومی، ۱۳۷۸: ۲۱۱، رومی، ۹۹۰: ۱۶۴ / الف). احمد رومی بین سال‌های ۷۲۰ تا ۷۲۷ هجری به نگارش آثارش پرداخته‌است. این تاریخ به گواه منابع تاریخی که از هند گزارش می‌دهند دوران حکومت سلاطین تغلقی، سلسله‌ای از اعقاب تیمور، بر مناطق وسیعی از شبه‌قاره بود که بین سال‌های ۷۲۰ یا ۷۲۱ تا ۸۱۵ هجری حکمران بودند (سیهرندی، 1382: ۹۲-۹۳). حاکمان این دودمان به مدت نود و پنج سال حکمرانان بخش وسیعی از شبه‌قاره بودند (بدایونی، ۱۳۸۰: ۱۵۳-۱۹۴) و احمد رومی در این سال‌ها «اندر غربت» می‌زیسته‌است اما



نمی‌توان با قاطعیت گفت سلطان حاکم در زمان او چه کسی بوده است. نخستین سلطان این سلسله، غیاث‌الدین تغلق‌شاه بود که در سال ۷۲۵ به گزارش ابن بطوطه به واسطه توطئه فرزندش محمد شاه کشته شد (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۶۹). به نظر می‌رسد احمد رومی تا زمان پایان نگارش آثارش در زمان سلطنت این پدر و پسر می‌زیسته است. اما چنان‌که از ام‌الکتاب برمی‌آید احمد رومی شخصیتی وابسته به دربار نداشت؛ حتی دعوت حاکم را هم نمی‌پذیرفت؛ معتقد بود زمین با آسمان نسبت ندارد (رومی، ۹۹۰: ۱۳۲ / الف و ب).

نحوه یادکرد احمد رومی از ابوحنیفه به گونه‌ای است که نشان می‌دهد به لحاظ فقهی دارای مذهب حنفی است؛ چنان‌که در دقایق الحقایق درباره «ایمان» عبارتی از وصیت ابوحنیفه نقل می‌کند و از او با عنوان امام اعظم نام می‌برد (رومی، ۱۳۵۴: ۲۹۵)، یا در باب هفتم کتاب دقایق الطریق به شرایط شیخ بودن پرداخته است. در فصل سوم این باب، حکایتی از ابوحنیفه در امتناع قبول امامت جماعت آورده است که در مذمت جاه‌طلبی و ستایش حق‌گویی است. الگوی مورد ستایش وی ابوحنیفه است (رومی، ۱۳۷۸: ۱۲۲). در فصل هفدهم ام‌الکتاب نیز از ابوحنیفه با تعبیر امام اعظم یاد می‌کند و مذهب فقهی او را فقه اکبر می‌شمارد (رومی، ۹۹۰: ۵۰ / ب). نسبت به مولوی نیز ارادت کامل دارد و به لحاظ مشرب عرفانی پیرو مولوی است؛ جلال‌الدین مولوی را مانند افلاکی و سلطان ولد و دیگران «شاه»، «شیخ خود»، «شیخ» و «مخزن اسرار الهی» می‌خواند (رومی، ۱۳۷۸: ۱۸۵).

#### ۴- معرفی ساختار و فصول ام‌الکتاب

آغاز این کتاب به عادت مألوف حمد خداوند است و در ادامه آن نعت پیامبر دیده می‌شود. احمد رومی قصد خود را از تألیف این اثر چنین بیان می‌دارد که به خواهش افرادی و جهت پاسخ به مشکلاتشان این کتاب را نوشته است:



چند فصلی عارفان اندر زکات بازجستند از زکات مشکلات  
 واجب آمد بر سبیل حکم‌شان صد کمر بسته بجهد اندر میان  
 زین سبب جهدی نمودم ای کرام من که هستم احمد رومی به نام  
 اربعین بنیاد کردم از فصول درک آن دارد تعلق بر عقول  
 نام بنهادم ورا ام‌الکتاب درج در وی نص و اخبار ای لباب [الخ]  
 (رومی، ۹۹۰: ۴ / الف)

مؤلف در این کتاب مرتباً به آیات قرآنی و احادیث نبوی استشهاد جسته است و معمولاً قبل از ذکر آیات قرآنی، این مصرع را می‌آورد: «همچنین فرمود در قرآن خدا». پیش از احادیث نبوی نیز این بیت را ذکر می‌کند:  
 همچنین فرمود شاه انبیا مصطفی آن پیشوای مجتبا

حکایاتی هم در متن نسخه به صورت منظوم نقل شده است. این حکایات منظوم با پیروی از مثنوی مولوی در بحر رمل مسدس سروده شده اند. محتوای این حکایات برای تأیید و تبیین موضوع فصل است و پس از اتمام متن منشور - که شامل شرح غزلیات شمس یا ابیاتی از مثنوی است، این بیت را تکرار می‌کند:  
 اندر این معنی نظیر آمد به یاد چون بگویم خوش شنو ای خوش نهاد

ام‌الکتاب چهل فصل دارد که می‌توان آنها را در سه دسته تقسیم کرد: ۱- آیات قرآنی (آیات مورد احتجاج متصوفه)، ۲- احادیث مورد وثوق صوفیان ۳- موضوعات دیگر مانند مباحث کلامی. پراکندگی موضوعات موجود در فصل‌های ام‌الکتاب به این صورت است:

الف. آیات قرآنی که شامل ده فصل است: فصل‌های: ۱، ۱۱، ۱۴، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۵.  
 ب. احادیث که شامل ۲۳ فصل است: فصل‌های: ۲، ۳، ۴، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰.

ج. موضوعات دیگر شامل این موارد است: در فصل پنجم سخنی از عین‌القضات بررسی شده است؛ در فصل شانزدهم حکایتی از تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری شرح شده است. در فصل پنجم به شرح و بسط سخنی از سلیمان



دارانی و در فصل ششم به شرح سخنی از سعد الدین حموی پرداخته‌است. در فصل دهم به طرح مبحثی فقهی از امام محمد حنفی پرداخته و در فصل هشتم یک فقره مسئله اصول دینی نقل شده از امام احمد ثقفی را بررسی کرده‌است. در فصل هفدهم مقایسه‌ای میان نظر معتزله و اهل جماعت در مورد مخلوق بودن قرآن را مورد مذاقه قرار داده‌است.

در اینجا برای نشان دادن سبک مصنف و معرفی فصل‌های کتاب، بخش مصحح «تذکره فصول» را از متن نسخه خطی نقل می‌کنیم:

«فصل اول؛ در تأویل این آیت که **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ** و نظیر ازین حکایت آنکه شیخ شبلی (رحمة الله علیه) زنگی را بدید که شورش می‌کرد و زنگی دیگر به ترجمانی آورد» (رومی، ۹۹۰: ۴/ب).

«فصل دوم؛ در بیان این حدیث که **إِنَّكُمْ سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ الْقَمَرَ لَيْلَةَ الْبَدْرِ** و نظیر در حکایت آنکه امام زین العابدین را دختر گفت که در یک دل دو دوستی محال بود» (همان).

«فصل سیم؛ در بیان این حدیث که **إِذَا تَمَّ الْفَقْرُ فَهُوَ اللَّهُ** و نظیر در حکایت آنکه صادقی در غاری دید که بر شخصی شیری دندان می‌زد و تن او را خون‌آلود می‌کرد» (همان: ۴/ب و ۵/الف).

«فصل چهارم؛ در بیان این حدیث که **أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي** و نظیر در حکایت آنکه صادقی در راه حج از قافله بازماند» (همان: ۵/الف).

«فصل پنجم؛ در بیان آنکه شیخ سلیمان دارانی (رحمة الله علیه) فرموده‌است که **أَنَا مُخْبِرٌ مِنْ قَطْعِ مَنَازِلِ الْأَفْلاكِ وَالْعَنَاصِرِ وَالنَّبَاتِ وَالْحَيَوَانِ** و نظیر در حکایت آنکه ابراهیم پیغامبر (علیه السلام) تشنه بود با شبانی رسید شبان عصای خود را بر سنگ زد. به فرمان حق سبحانه و تعالی آب بدید آمد» (همان: ۵/الف).

«فصل ششم؛ در بیان آنکه شیخ سعدالدین حموی (رحمة الله علیه) فرمود [ه] است که **«الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ مِنَ النَّبُوَّةِ»** و نظیر در حکایت آنکه محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) عمر و عثمان و علی را (رضی الله عنهم) قیام‌نیارود و ابی‌بکر صدیق را (رضی الله عنه) قیام‌آورد» (همان: ۵/الف).

«فصل هفتم؛ در بیان این حدیث که **كَانَ لِلَّهِ زَمَانًا مَا كَانَ فِيهِ كُفْرًا وَلَا إِسْلَامًا** و نظیر در حکایت آنکه وزیر خاقان چنین گفت که در فلان جای چاهی هست که اگر آب آن از فلان راه آرند جمله کژدم شود» (همان: ۵/الف).

«فصل هشتم؛ در بیان آنکه امام احمد ثقفی (رحمة الله علیه) در اصول دین فرموده‌است که **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيْسَ**



بِعَرَضٍ وَلَا جَوْهَرٍ وَلَا جِسْمٍ وَدَرِ نَظِيرِ حِكَايَةِ أَنْكَهَ بَرِ دَرُویشِ حَقِّ سَبْحَانِهِ وَتَعَالَى وَدَرِ ارْزَاقِ تَنْعَمٍ بَسْتَه‌بُودِ» (همان: ۵ الف و ب).

«فصل نهم؛ در بیان آنکه عین القضاة در مقالات خود فرموده‌است که «لَوْ مَا كَانَ فِي الْقُرْآنِ حُرُوفُ الْمُقَطَّعَاتِ لَمَّا آمَنَتْ بِهِ» و نظیر در حکایت آنکه سلطان محمود ایزد را پیش آن درویش عاشق بازفرستاد و آن درویش در کنار ایزد جان‌بداد» (همان: ۵ / ب).

«فصل دهم؛ در بیان آنکه امام اعظم (رحمة الله علیه) در فقه اکبر فرموده‌است که لَا يَكْفُرُ الْمُؤْمِنُ ذُنُوبَ الْكَبَائِرِ وَنَظِيرِ دَرِ حِكَايَةِ أَنْكَهَ خَوَاجَه‌بِه‌ غَلَامِ خُودِ هَرِ چِه‌ دَرِ دَفْتَرِ مِی‌ نَبِشْتِ» (همان: ۵ / ب).

«فصل یازدهم؛ در بیان این آیت که إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ وَنَظِيرِ دَرِ حِكَايَةِ أَنْكَهَ خَوَاجَه‌ مَنْصُورِ رَا (رحمة الله علیه) جَنِيدِ وَ سَرِی سَقَطِی دَسْتُورِی دَادَنْدِ وَ خُلُوتِ كَرْدَنْدِ اَز بَرَایِ اسرَار كَفْتَنْ» (همان: ۵ / ب).

«فصل دوازدهم؛ در بیان این حدیث که الْفَقْرُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ اللَّهِ وَ مِفْتَاحُ الْكُنُوزِ الْفَقْرُ قُلُوبُ الْفُقَرَاءِ وَ نَظِيرِ دَرِ حِكَايَةِ أَنْكَهَ سُلْطَانِ سَنَجَرِ پِیشِ دَرُویشِ كِيسَه‌ زَرِ نِهَادِ وَ اَن دَرُویشِ بَا سُلْطَانِ كَفْتِ كِه بَنْدگانِ مَرَا بَنْدِه‌ اِی» (همان: ۵ / ب و ۶ الف).

«فصل سیزدهم؛ در بیان این حدیث که حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ وَ فُرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ نَظِيرِ دَرِ حِكَايَةِ أَنْكَه‌ زَرْگَرِی رَا هُوسِی اَن بُوْد كِه حَفْظِ قُرْآنِ كَنْدِ» (همان: ۶ / الف).

«فصل چهاردهم؛ در بیان این آیت که اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ وَ دَرِ نَظِيرِ حِكَايَةِ أَنْكَه‌ پادشاهی بَدگمانِ بَرِ خُوصِ اعْتِمَادَنْمِی‌ كَرْدِ» (همان).

«فصل پانزدهم؛ در بیان این حدیث که أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعِشْقُ وَ نَظِيرِ دَرِ حِكَايَةِ أَنْكَه‌ سَائِلِی اَز شَقِيقِ بَلْخِی (رحمة الله علیه) پَرَسِيدِ كِه مَأوَایِ عَشْقِ كَجَا بَاشْدِ» (همان).

«فصل شانزدهم؛ در بیان آنکه در تذكرة الاولیا مسطور است که شیخ بایزید بسطامی (رحمة الله علیه) فرمود که رُوزِ قِيَامَتِ مُحَمَّدِ مَصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دَرِ زِيرِ عِلْمِ مَا بَاشْدِ وَ نَظِيرِ دَرِ حِكَايَةِ أَنْكَه‌ صَادِقِی اَز مُوسِی پِیغمبرِ (عليه السلام) اِنْسِ حَقِّ دَر خُوصِ اسْتِ كَرْدِ» (همان).

«فصل هفتم؛ در آنکه قرآن در مذهب معتزله مخلوق است و در مذهب سنت جماعت غیرمخلوق و نظیر در حکایت آنکه دختر پادشاهی با حق تعالی انس کرده بود و خلق او را دیوانه می‌پنداشتند (همان).



«فصل هژدهم؛ در بیان این حدیث الْمَوْتُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ نظیر در حکایت آنکه شیخ عثمان پادشاهی خود به فرزند داد و اختیار کرد» (همان: ۶/ب).

«فصل نوزدهم؛ در بیان این حدیث که أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ وَ نظیر در حکایت آنکه شاه سنجر ندیمی را برگزید و ندیمان دیگر بر وی حسد بردند» (همان).

«فصل بیستم؛ در بیان این آیت که وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ وَ نظیر در حکایت آنکه مسعودشاه شیخ حجاج را طلب کرد و گفت گنج یافته به لشکر اسلام مددکن» (همان).

«فصل بیست و یکم؛ در بیان این آیت که رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي وَ نظیر در حکایت آنکه محمد مصطفی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ) با جبرئیل (علیه السلام) گفت چنانکه هیأت تو است خود را به من نما» (همان).

«فصل بیست و دوم؛ در بیان این آیت که فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ وَ نظیر در حکایت سائلی از شقیق بلخی (رحمة الله عليه) سؤال کرد که بگو مبدأ اشیا از چیست» (همان).

«فصل بیست و سیوم؛ در بیان این حدیث که الْإِنْتِصَالُ بِالْحَقِّ عَلَى قَدْرِ الْإِنْفِصَالِ عَنِ الْخَلْقِ وَ نظیر در حکایت آنکه درویشی از خدمت مولانا جلال الدین (علیه الرحمه) وجه وام و نفقات دریوزه کرد» (همان).

«فصل بیست و چهارم؛ در بیان این حدیث ربانی که بِي مَا كَانَ وَ بِي مَا يَكُونُ وَ نظیر در حکایت آنکه خواجه شبلی (رحمة الله عليه) به عیادت خلیفه رفته بود» (همان: ۷/الف).

«فصل بیست و پنجم؛ در بیان حدیث ربانی که مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَيَّ بَلَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَانِي وَ نظیر در حکایت آنکه خلیفه از بهلول راه نجات می طلبید» (همان).

«فصل بیست و [و] ششم؛ در بیان این حدیث که مَنْ سَكَنَ يَوْمًا فِي الْقُرَى يَحْمَقُ شَهْرًا وَ مَنْ سَكَنَ شَهْرًا يَحْمَقُ دَهْرًا وَ نظیر در حکایت آنکه پسر شاه ترمذ فاسق برخاست و پدر از فسق وی عاجز گشت» (همان).

«فصل بیست و هفتم؛ در بیان این حدیث که يَا لَيْتَ رَبِّ مُحَمَّدٍ لَمْ يَخْلُقْ مُحَمَّدًا وَ نظیر در حکایت آنکه سلطان محمود (رحمة الله عليه) با ایاز گفت سرلشکر شو و فلان جای برو» (همان).

«فصل بیست و [و] هشتم؛ در بیان این حدیث که الْأَصْلُ لَا يَخْطِي وَ نظیر در حکایت آنکه از محمد مصطفی (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ) ملک طائر پرسید که تو چه عبادت کرده‌ای که حق تعالی تو را برگزیده است و من چه گناه کرده‌ام که مرا مردود کرده است» (همان).



- «فصل بیست و نهم؛ در بیان این آیه که وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتَلَفَ السِّنْتَكُمْ وَ الْوَالِدُكُمْ وَ نظیر در حکایت آنکه شیخ بایزید در حالت وجد می‌گفت سبحان مَنْم» (همان).
- «فصل سی‌ام؛ در بیان این آیت که وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ نظیر در حکایت آنکه کافری با روضه شیخ برهان الدین محقق (رحمة الله عليه) سلام کرد و جواب شنید» (همان: ۷/ب).
- «فصل سی و یکم؛ در بیان این آیت که قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا وَ نظیر در حکایت آنکه سلطان محمود (رحمة الله عليه) شب‌روی می‌کرد درویشی را دید و با وزیر خود گفت که این درویش را داماد خود ساز» (همان).
- «فصل سی و دوم؛ در بیان این حدیث که مَنْ ذاقَ حَلَاوَةَ الْعُزْلَةِ وَ الْحَلْوَةَ قَدْ اسْتغْنَى عَن كُلِّ حَلَاوَةٍ وَ نظیر در حکایت آنکه سلطان محمد ترک ملک کرد و خلوت برگزید» (همان).
- «فصل سی و سیم؛ در بیان این حدیث که انَّ اللَّهَ تَعَالَى تَجَلَّى عَلَى الْخَلْقِ عَامَّةً وَ عَلَى خَاصَّةً وَ نظیر در حکایت آنکه خواجه معروف کرخی (رح) در کعبه گفت یا الهی حجِّ حاجیان قبول شد یا نی» (همان).
- «فصل سی و چهارم؛ در بیان این حدیث که زارنی الأنبياء جميعاً ليلة لمواج و نظیر در حکایت آنکه عثمان بن عفان (رضه) از محمد مصطفی (صلعم) سؤال کرد که معنی ابدالی چیست» (همان: ۷/ب).
- «فصل سی و پنجم؛ در بیان این آیت که لِيُزِدَاؤُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ نظیر در حکایت آنکه شعیب (ع. م) حق سبحانه و تعالی وحی کرد که گناهان تو را آمرزیدم ترک گریه کن» (همان).
- «فصل سی و ششم؛ در بیان این حدیث که حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ وَ نظیر در حکایت آنکه سلطان محمود (رح) از دست موشکی عاجز آمد» (همان: ۸/الف).
- «فصل سی و هفتم؛ در بیان این حدیث که خَيْرُ أُمَّتِي عَزَابُهَا وَ شَرُّ أُمَّتِي عَزَابُهَا وَ نظیر در حکایت آنکه جوانی را همسایگان جدّ می‌نمودند که زن بخواه» (همان).
- «فصل سی و هشتم؛ در بیان این حدیث که قِلَّةُ الْمَالِ وَ كَثْرَةُ الْعِيَالِ فَضِيحَةُ الرَّجَالِ وَ نظیر در حکایت آنکه محمد مصطفی (صلعم) چهار یتیم را به مهمّات برد» (همان).
- «فصل سی و نهم؛ در بیان این حدیث که طَاعَةُ الْخَفِيِّ خَيْرٌ مِنْ طَاعَةِ الْجَلِيِّ سَبْعِينَ دَرَجَةً مِنَ الشَّرْقِ إِلَى الْغَرْبِ وَ نظیر در حکایت آنکه سلمان فارسی (رضه) ملکی مصر یافت چون در مصر درآمد اعیان مصر او را سجود کردند» (همان).
- «فصل چهلم؛ در بیان این حدیث که لَيْسَ الْمُؤْمِنُ مَنْ لَمْ يَتْرُكْ أَرْبَعَةَ الْبُخْلِ وَ الْكِبْرِ وَ الْحَسَدِ وَ نظیر



در حکایت آنکه شیخ عبداللّه المغربی (زَجِمَهُ اللّهُ) با حق می‌گفت که جمال خود را با دیگری بنما» (همان).

## ۵- قالب و نوع تصنیف ام‌الکتاب

ام‌الکتاب در قالب اربعین‌نگاشت‌ها تألیف شده است که به نوعی گزیده‌نویسی است. شیوه‌نگارش احمد رومی در ام‌الکتاب به پیروی از دیگر اربعینیات به این صورت است:

۱. طرح آیه، حدیث، مبحث کلامی و...
  ۲. تفسیری مختصر از آن‌ها و آوردن شواهدی از غزلیات شمس یا مثنوی معنوی جهت تأیید موضوع فصل.
  ۳. شرح یک بیت که به نظر مؤلف کتاب، لب مطلب غزل همان یک بیت است.
  ۴. آوردن حکایتی در بحر رمل مسدس محذوف به پیروی از مثنوی معنوی و اتمام آن فصل.
- اربعین‌نویسی به عنوان یک قالب نگارش در تاریخ اسلام سابقه‌ای طولانی دارد و آثار متعددی در این قالب پدید آمده است. حدیث پیامبر یکی از منابع و مصادر استنباط احکام شرعی و روشنگر احکام قرآن است. جهت پیشبرد این امر پیامبر اسلام در حدیث معروف اربعین، توصیه به گردآوری، حفظ و نگارش چهل حدیث نموده‌اند: «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِمَّا يَخْتَا جُؤْنَ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دِينِهِمْ، بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۳۱۹) این حدیث در قرون اولیه اسلامی منجر به شکل‌گیری قالبی تحت عنوان اربعین‌نگاری، اربعین‌نویسی یا چهل حدیث‌نگاری شد و احتمالاً از مهم‌ترین انگیزه‌های مسلمانان جهت انتشار اقوال و احوال پیامبر در قالب صدها کتاب و رساله گردید. این قالب صرفاً به انتشار احادیث اختصاص نیافت بلکه درون‌مایه‌های دینی، احکامی، اخلاقی و عرفانی نیز در این قالب قرارگرفت. این کتاب‌ها که غالباً حاوی چهل حدیث و در بسیاری موارد به همراه شرح هر یک بوده‌اند، تحت عنوان‌هایی چون لسان الصادقین، زلال المعین، الماء المعین الاربعون حدیثاً و چهل حدیث نام‌گذاری شده است (عاشوری تلوکی، ۱۳۸۳: ۱۶۵). باتوجه به پژوهش عاشوری تلوکی، این سنت به‌طور رسمی از اواخر قرن دوم آغاز شد و عبداللّه ابن مبارک از اولین کسانی است که به این مهم اقدام کرده است (همان: ۱۶۹). این سبک یا قالب نگارشی در گذر تاریخ نزد اهل سنت و شیعیان مانند هر سبک و قالب دیگری تطوراتی را پشت‌سر گذاشته است. البته این تغییرات بیشتر جنبه موضوعی و محتوایی داشته است و از نظر ظاهر یا شکل تغییر چشمگیری نکرده است. در این قالب، ابتدا حدیث یا روایتی نقل می‌کنند؛ بعد از آن، الفاظ و عبارات مشکل آن را معنی می‌کنند؛ سپس به تفسیر و توضیح معانی می‌پردازند (آشتیانی و امین ناجی، ۱۳۹۷: ۵).



در قرن پنجم با نضج گرفتن جریان تصوف در جهان اسلام قالب اربعین‌نویسی تحت تأثیر این جریان فکری قرار گرفت و بزرگان متصوفه به انتشار آثاری در این خصوص پرداختند؛ اولین‌های اربعین‌نویسی در زمینه تصوف در همان قرن به زبان عربی نگاشته شد. مهم‌ترین این آثار اربعینی عبارت است از: الاربعین فی التصوف؛ تألیف محمد ابن حسین سلمی، الاربعین فی شیوخ الصوفیه؛ تألیف احمد ابن محمد مالینی، الاربعین علی مذهب المحققین من الصوفیه؛ تألیف ابو نعیم اصفهانی، الاربعین فی ذکر طبقات مشایخ الصوفیه و زهاد الطریقه؛ تألیف احمد ابن عبدالملک مؤذن نیشابوری و الاربعین؛ تألیف محمد ابن محمد ابن جمال الدین الاقسرائی. ابو حامد غزالی و امام فخر رازی از برجسته‌ترین افرادی بودند که به جای مطرح‌ساختن احادیث، در قالب اربعین‌نویسی به ذکر مسائل کلامی و فقهی پرداختند. کتاب الاربعین فی اصول الدین تألیف غزالی اصول و فروع دین اسلام و اوصاف حسنه و اخلاق نکوهیده را به طور کامل و با استناد به آیات و روایات بیان می‌کند. امام فخر رازی کتاب دیگری با همین نام الاربعین فی اصول الدین دارد و در آن چهل مبحث دینی و فلسفی را شرح داده است که در سنت نوشتن چهل حدیث، نوعی ساختارشکنی به‌شمار می‌رود (همان: ۷-۱۱).

### ۶- ویژگی‌های متن ام‌الکتاب

درنمایه ام‌الکتاب عمدتاً بر آموزه‌های صوفیانه استوار است و محشون از اصطلاحات عرفانی است. این اثر جنبه آموزشی دارد و نویسنده بر خلاف ادعایش با این مضمون که حال بر قال غالب گشته است (رومی، ۹۹۰: ۲۷/ الف) قال او بر متن غالب است. به‌طور کلی ام‌الکتاب اثری آمیخته به نظم و نثر است و جنبه تعلیمی دارد. در ام‌الکتاب درباره مناقب و خرق عادات بزرگان متصوفه سخنانی هست؛ مانند داستان شیخ حجاج و پادشاه در فصل بیستم (رومی، ۹۹۰: ۸۶/ الف). ویژگی عمده ام‌الکتاب بهره‌جستن و گرایش بسیار آن به دو اثر مشهور مولوی یعنی مثنوی معنوی و تا حدودی دیوان شمس است، به‌عنوان مثال اینکه حکایات منظوم را مثل مثنوی در بحر رمل مسدس آورده است. زبان نثر این کتاب مرسل و خالی از دشواری‌های واژگانی است سبب عمده این شیوه ام‌الکتاب مبتنی بر قصد مصنف آن در تعلیم و آموزش است؛ به‌گونه‌ای که با عباراتی چون: «بدان که... آمدم به بیان...» معنی این حدیث این است» و دیگر عبارات مشابه، جنبه تعلیمی اثر آشکار می‌شود. استفاده فراوان ام‌الکتاب از «تمثیل» نیز مبتنی بر جنبه تعلیمی آن است؛ به دو مثال توجه فرمایید: «در حل این نکته مشکل نظیری وانمایم که تسکین قلوب گردد و مقصود معانی آن رمز حاصل آید ان شاء الله تعالی؛ بدان که پادشاه دنیا را امرا و



ملوک می‌باشند و هر امیری و ملکی را علمی و سنجقی و نشانه مخصوص می‌باشد» (همان: ۷۱/ب). «برمثال آنکه شخصی از حُسن دلبری خبرمی‌دهد که حُسن او چنین است و چنان، این چنین و چنان گفتن سخن آن شخص است» (همان: ۷۶/ب).

احمد رومی از جمله‌های آغازین فصل‌های رباب‌نامه سلطان ولد، در ابتدای هر فصل از ام‌الکتاب به‌وضوح پیروی می‌کند. زبان شعر احمد رومی نیز در ام‌الکتاب به سادگی قابل دریافت است، اشعار وی تا حد زیادی در اقتفای سبک سلطان ولد است، به‌عنوان نمونه می‌توان به شباهت اشعار مقدمه ام‌الکتاب با مقدمه ولدنامه توجه کرد؛ در مقدمه ولدنامه می‌خوانیم:

ابتدا می‌کنم به نام خدا      موجد عالم فنا و بقا (الخ)  
(سلطان ولد، ۱۳۷۶: ۲)

قیاس شود با مقدمه ام‌الکتاب:

ابتدا کردم به نام آنکه او      گل دهد از تیره گل با رنگ و بو (الخ)  
(رومی، ۹۹۰: ۳/الف)

همچنین جملات آغازین احمد رومی در ابتدای هر فصل دقیقاً مانند جملات آغازین هر فصل در رباب‌نامه سلطان ولد است جمله «در بیان آنکه (الخ)» در هر دو اثر مشترک است (سلطان ولد، ۱۳۵۹: ۴؛ رومی، ۹۹۰: ۶۸/الف).

احمد رومی، شاعر و نویسنده‌ای بی‌تکلف است؛ پیچیدگی متون نثر قدیم در آثار او دیده نمی‌شود. واژگان عربی، اصطلاحات فقهی و آیات و احادیث به تناسب محتوای متن در آن دیده می‌شود. اکثر جملات به‌کاررفته در ام‌الکتاب کوتاه و ساده هستند و تعقیدی ندارند. میزان جملات ساده نسبت به جملات مرکب بیشتر است و به این نسبت حروف ربط همپایه‌ساز در این اثر بیشتر به‌کاررفته است: «یعنی انسان معادن [طلا] و نقره است و چون انسان را محمد مصطفی (صلعم) معادن ذهب و فضه فرموده است و به فضه و ذهب حوایج دنیا و آخرت و لقاء الله حاصل می‌گردد» (رومی، ۹۹۰: ۶۰/ب) «نشاء عشق در دست و عاشق تا کشته هجر نگردهد و از خودی خود را نپردازد و در عین درد ننشیند معشوق او را روی ننماید» (همان: ۹۰/الف).



غیر از اشعاری که نویسنده از مثنوی یا غزلیات شمس نقل کرده است، ابیاتی نیز که حاصل جوشش طبع خود احمد رومی است - غیر از دو مورد در فصول بیست و سوم و سی و دوم که قصیده هستند - باقی در بحر رمل مثنی محذوف و در قالب مثنوی است. این دو بیت برای معرفی شیوه شاعری مصنف گویا و روشن‌گر است:

یاد می‌کرد او گناهان قدیم اشک خون می‌ریخت پیوست او ز بیم  
(همان: ۸۱ / الف)

ناگه از آن کاو جهان را آفرید آیت نصر من الله در رسید  
(همان: ۱۲۰ / الف)

گاهی در ترجمه آیات و احادیث تحت تأثیر زبان عربی، اجزای جمله جابه‌جا یا در هم شده است: «حق سبحانه و تعالی می‌فرماید به درستی که دادیم تو را سوره فاتحه الكتاب و قرآن عظیم» (همان: ۸۶ / الف). «حق سبحانه و تعالی می‌فرماید که موسی گفت: ای پروردگار من بنما به من لقاء خود را تا نظرکنم بر تو» (همان: ۹۰ / الف) از جمع مکسر عربی در مواردی استفاده می‌کند که برابری فارسی برای آنها رایج است: «ینابیع حکمت در دل ایشان جوشیده» (همان: ۸۸ / الف) «از آن هژده هزار حوایج می‌طلبد» (همان: ۵۹ / ب) «یکی عالم انوار جلال است» (همان: ۵۹ / الف) «دوزخ در نظر ما عُصَات و کَفَّار سیاه‌روی نمایند» (همان: ۵۷ / الف). در متن ام‌الکتاب غلبه با وجه التزامی و اخباری است، چراکه از جهتی مخاطب را مکلف به انجام اموری می‌کند که جزو آداب تصوف و مسلمانی است و از طرفی با ارائه شروحات بر ابیات، آیات و احادیث، اطلاعاتی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد اما به آن معنا نیست که از جوهی مانند وجه عاطفی بی‌بهره باشد:

«معنی لَنْ تَرَانِي وَ سُبْحَانَكَ تَبْتُ إِلَيْكَ را بازنمایم تا دردمندان را و مجروحان لَنْ ترانی را مرهم‌گردد» (همان: ۹۰ / ب). «عزیزان در این باب تأویل صافی المعنی طلبیده‌اند و از این درویش التماس کرده بودند که در این باب سؤالی منظوم باید ساختن و باز جوابی منظوم باید گفتن. بر سبیل حکم آن عزیزان و جاذبه خاطر آن بزرگان چند بیتی به قدر وسع و طاقت گفته‌آمد، اِنْ شَاءَ اللَّهُ تعالی مقبول دل‌ها گردد» (همان: ۹۳ / ب).

اکثراً حذف فعل به قرینه معنوی و لفظی انجام می‌شود: «ایشان خانه گرو کرده و در کوی محبوب مقیم شده و دکان حرص را خراب کرده‌اند و از گفتار و کردار و از اقرار و انکار عوام دست‌شسته» (همان: ۱۲۸ / ب). «حق سبحانه

در اصل نسخه حرف «و» میان اسم و صفت به این صورت نوشته شده است: الله و تعالی.



و تعالی بر خلق تجلی عام کرد و بر من تجلی خاص» (همان: ۱۳۷ / ب). رومی در برخی موارد به جای حذف افعال به قرینه، آنها را عیناً تکرار کرده است: «سوی بی‌سویی آن سو است که میوه‌ها را پختگی از آن سو آید و سنگ‌ها را اوصاف گوهری از آن سوی آید و ماهی خشک خضر را زندگی از آن سو آید و انوار دست موسی از آن سو آید و خیال الله در دل عاشق از آن سو آید» (همان: ۹۲ / ب). گاهی مثل تاریخ بیهقی در مواردی که فاعل جمله مشخص و معلوم است از ساخت مجهول استفاده می‌کند: «در این باب قصیده‌ای انشا کرده و با آن عزیزان فرستاده آمد» (همان: ۹۷ / ب). «این نظیر برای آن گفته آمد تا بدانید که لقاء الله را به نور روح ثانی توان دید» (همان: ۱۶ / الف). از «یاء» در پایان فعل به جای «می» استمراری یا اخباری استفاده می‌کند؛ به این دو نمونه توجه فرمایید: «هر چند که به قاصدان پادشاه عذر می‌رفت قبول نکردندی» (همان: ۱۳۲ / الف). «این چندین طایفه کافر نگفتندی که بعد دین ما دین اسلام شایسته است» (همان: ۱۶۰ / ب). استفاده از افعال غیرشخصی نیز در سبک نگارش رومی وجود دارد؛ مثل این موارد: «خاک پای ایشان باید شدن» (همان: ۱۶۱ / الف). «حقیقت باید دانستن که تار و پود مخلوقات» (همان: ۹۵ / ب). گاهی موصوف و صفت به لحاظ افراد و جمع با هم مطابقت دارند: «مرد مؤمن از گناهان کبائر کافر نشود» (همان: ۵۱ / الف).



## ۷- نتیجه

ام‌الکتاب را احمد رومی در ذی‌الحجه سال ۷۲۷ هجری قمری نگاشته‌است. درونمایه ام‌الکتاب عمدتاً بر آموزه‌های صوفیانه استوار است و محشون از اصطلاحات عرفانی است. مصنف اثر به‌لحاظ فقهی دارای مذهب حنفی و به‌لحاظ مشرب عرفانی، پیرو مولوی است.

محتوای ام‌الکتاب، انتساب نام مصنف کتاب به «رومی» و محل کتابت نسخه منحصر به فرد موجود آن یعنی ماردین توسط درویشی که به رومی شهرت داشته‌است، بیان‌کننده اهمیت این اثر در فهم و شناخت اصول و اندیشه‌های تصوف است. همچنین به‌سبب قرابت اندیشه و رسالت احمد رومی در شهر «عوض» هندوستان جهت نشر اندیشه و افکار فرقه مولویه، می‌توان از این کتاب برای فهم و خوانش بهتر آثار مولوی بهره‌برد.

نوع و قالب نگارش ام‌الکتاب از زمره اربعین‌نویسی یا چهل حدیث‌نگاری است اما از این شیوه نگارش برای تبیین و تعلیم مسائل عرفانی بخصوص در مورد آثار مولوی استفاده کرده‌است. ویژگی عمده ام‌الکتاب گرایش بسیار آن به دو اثر مشهور مولوی یعنی مثنوی معنوی و دیوان شمس است. علاوه بر آثار مولوی، به ولدنامه و رباب‌نامه سلطان ولد نیز توجه دارد. زبان نثر ام‌الکتاب مرسل و ساده است. نثر و نظم ساده و استفاده فراوان احمد رومی از «تمثیل» و حکایت‌های منظوم دلالت بر جنبه تعلیمی اثر می‌کند. وجود عناصر نحوی و صرفی زبان عربی در ام‌الکتاب، همچنان متأثر از متون و آموزه‌های عرفانی است تا اینکه تلاشی تعمدی برای دشوارساختن متن باشد.

## عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



## منابع و مراجع

## الف - فارسی - عربی

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، ابو جعفر محمد بن علی، الخصال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۳۶۷ هـ. ق.
۳. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، سفرنامه ابن بطوطه (رحله ابن بطوطه)، ترجمه محمدعلی موحد، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۴. احمدی آشتیانی، فرهاد و محمدهادی امین‌ناجی، «بررسی تطبیقی سیر تطور اربعین‌نویسی در فریقین»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۱-۳۸، تابستان ۱۳۹۷.
۵. بدایونی، عبدالقادر، منتخب التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب با مقدمه و اضافات توفیق سبحانی، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
۶. رومی، احمد، نسخه خطی ام‌الکتاب، محفوظ در کتابخانه ملی فرانسه به شماره R 25480، ۹۹۰ هـ. ق.
۷. رومی، احمد، دقایق الحقایق، تصحیح محمدرضا جلالی نایینی و محمد شیروانی، تهران، انتشارات شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.
۸. رومی، احمد، دقایق الطریق، تصحیح محسن کیانی (میرا)، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۸.
۹. سلطان ولد، بهاء‌الدین محمد، ولدنامه، تصحیح جلال‌الدین همایی، قم، نشر هما، ۱۳۷۶.
۱۰. سلطان ولد، بهاء‌الدین محمد، رباب‌نامه، تصحیح دکتر علی سلطانی گردفرامرزی، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا- مونتreal با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
۱۱. سیهرندی، یحیی بن احمد بن عبدالله، تاریخ مبارک شاهی، تصحیح محمد هدایت حسین، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.



۱۲. عاشوری تلوکی، نادعلی، «سنت اربعین‌نویسی و نسخه‌ای شریف در شرح چهل حدیث»، مجله الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی) دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۰، شماره ۶۶-۶۵، صص ۱۶۵-۱۸۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.

۱۳. فروزانفر، بدیع الزمان، شرح مثنوی شریف، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۷.

۱۴. نصرآبادی اصفهانی، محمد طاهر، تذکره نصرآبادی: تذکره الشعرا، تصحیح حسن وحید دستگردی، چاپ اول، تهران، انتشارات ارمغان، ۱۳۱۷.

۱۵. هیمر، آلفونس س. م، «احمد رومی شاعر گمنام سلسله مولویه»، ترجمه محمد جواد شمس، مجله معارف، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۴۸، آذر- اسفند ۱۳۷۵.

#### ب- انگلیسی:

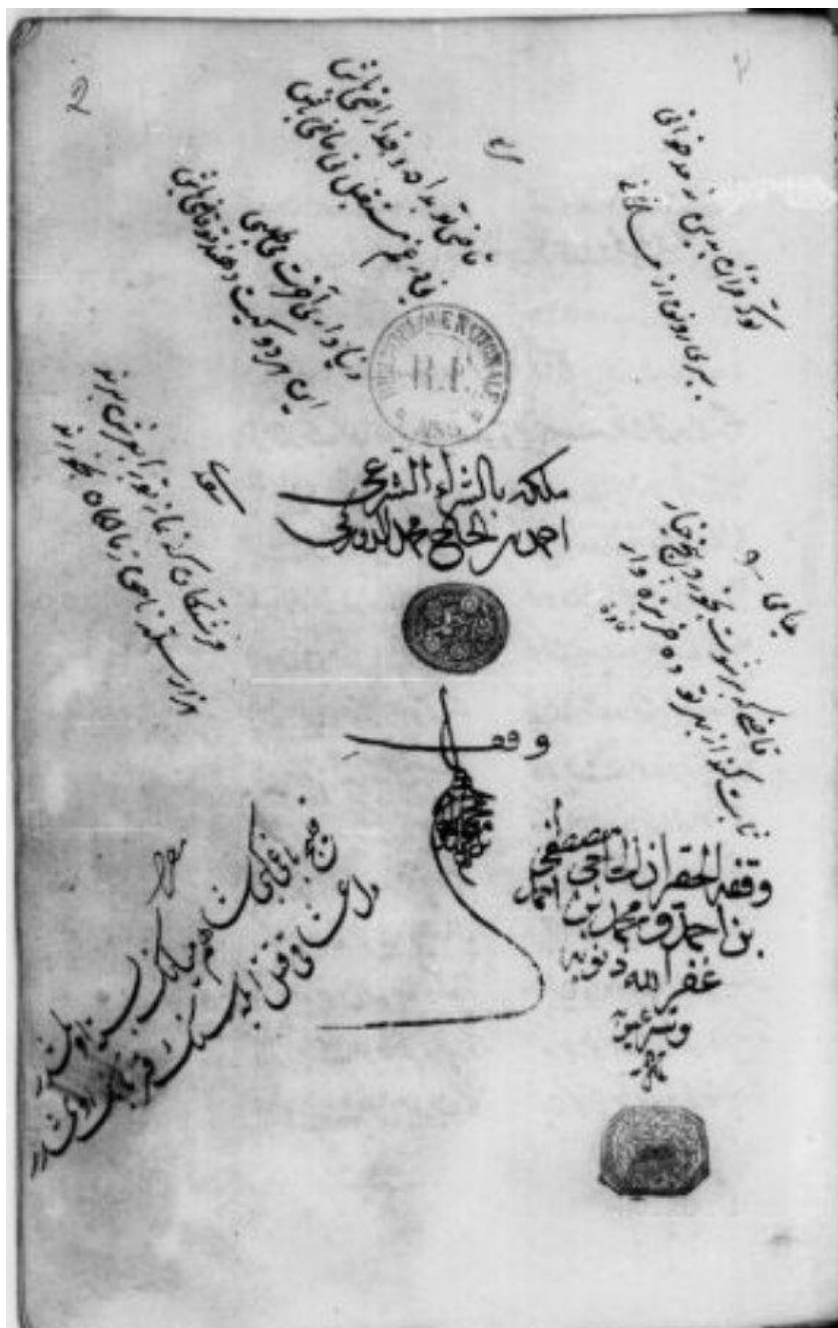
1. The holy Quran
2. Ahmadi Ashtiani, Farhad and Mohammad hadi Amirnaji, **comparative analysis of Arbaeen Nevisi's transformation history in Fareeqein**, Hadith and Quran sciences journal of Al-Zahra's university, 15<sup>th</sup> year, no. 2, P.P. 1-38, summer, 2019.
3. Ashoori Talooki, NadAli, **The Arbaeen Nevisi tradition and a valuable manuscript about Chehel Hadith**, Islamic studies of Ferdowsi university's journal, 20<sup>th</sup> year, no. 65 -66, P.P 165-184, Fall and summer 2004.
4. Badayooni, Abd-Alqader, **Montakhab -Altavarikh**, corrected by molave Ahmad Ali Sahib and Towfiq Sobhani's annotation, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Cultural books and elites' association publication, 2002.
5. Foroozanfar, Badi'Alzaman, **Sharh -e- Masnavi -e- Sharif**, 1<sup>st</sup> Vol., 7<sup>th</sup> edition, Tehran, Zavvar publication, 1989.
6. Hamer, Alphons C. M., **An unknown Mawlavi poet: Ahmad Rumi**, translated by Mohammad Javad Shams, Maa'rif journal, 3<sup>rd</sup> no., P.P 124- 148, Nov- Mar 1996.



7. Ibn -e- Babooye, Aboo Ja'far Mohammad ibn -e- Ali, **Alkhisal**, Qom, Islamic publication institute for lecturers' society, 1948.
8. Ibn -e- Batoote, Mohammad ibn -e- Abdoollah, **Ibn -e- Batoote's travelogue**, translated by MohammadAli Movahhed, 2<sup>nd</sup> vol., first edition, Tehran, Book translation and publication institute, 1970.
9. Nasrabadi Esfahani, Mohammad Taher, **Tazkira Nasrabadi: Tazkirato Alshoara**, corrected by Vahid Datgerdi, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Amaghan publication, 1938.
10. Rumi, Ahmad, **Umm Al-kitab**, keeping in B.N.F with registered no. : R 25480, 1572.
11. Rumi, Ahmad, **Daqaeq Alhaqaeq**, corrected by Mohammadreza Jalali Naeeni and Mohammad Shirvani, Tehran, Art and Culture council publication, 1976.
12. Rumi, Ahmad, **Daqaeq Altariq**, corrected by Mohsen kiani, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Rowzane publication, 2000.
13. Sirhandi, Yahya ibn -e- Ahmad ibn -e- Abdollah, **Tarikh -e- Mobarakshahi**, corrected by Mohammad Hedayat Hossein, 1<sup>st</sup> edition, Tehran, Asatir publication, 2004.
14. Soltan Valad, Baha`Aldin Mohammad, **Valad nameh**, corrected by Jalal Aldin Homaee, qom, Homa publication, 1998.
15. Soltan Valad, Baha`ALdin Mohammad, **Rabab Nameh**, corrected by Dr. Ali Soltani GerdFaramarzi, Tehran, McGill's Islamic studies publication in association with Tehran university, 1981.



پیوست - تصاویر صفحات آغازین و پایانی، ترقیمه و وقف‌نامه نسخه خطی مورخ ۹۹۰



تصویر صفحه مالکیت و وقف‌نامه و بیت‌های فارسی و ترکی در آغاز نسخه



صفحات آغازین نسخه



صفحه پایانی متن ام‌الکتاب حاوی ترقیمه و مهر واقف



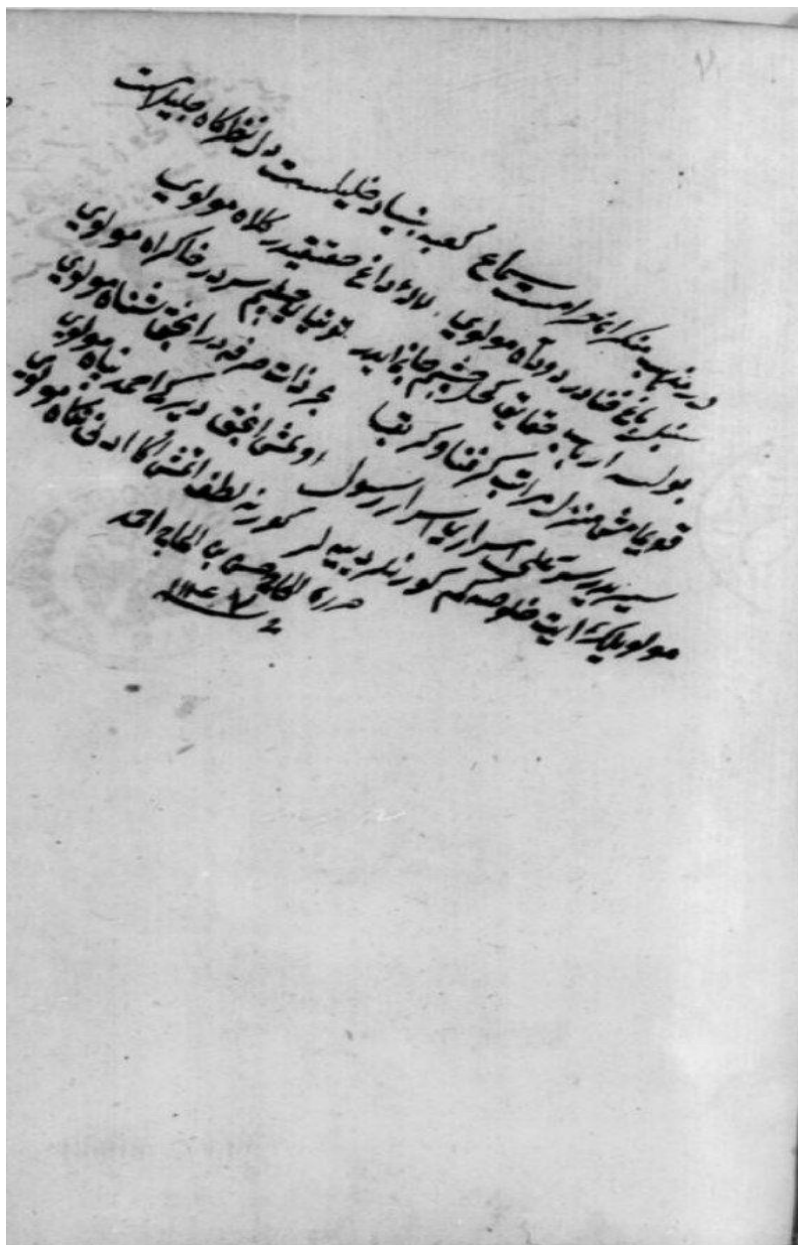
مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها



نمونه‌ای از شیوه کتابت و متن نسخه



صفحه پایانی نسخه حاوی اشعاری به فارسی و ترکی با ذکر تاریخ وقف‌نامه در

سال ۱۱۴۷